

## **The emergence of the historical bourgeoisie in Safavid Iran with emphasis on the textile industry**

Maryam Khosroabadi\*, Keyvan Karimi Alvar\*\*

Mohsen Kheydani\*\*\*

### **Abstract**

This article examines the emergence of the bourgeoisie in Safavid empire and tries to answer this hypothesis that: In the Safavid period, especially during the reign of Shah Abbas I (the late sixteenth and early seventeenth centuries), in parallel with European countries, Iran was also going through the process of formation of national bourgeoisie and historical capitalism. According to studies, this issue has not been researched so far and most theorists and researchers in the fields of political economy, sociology and political science, in terms of industry and production method, do not believe in the emergence of the historical bourgeoisie in Iran, some consider its beginning in the late Qajar period and after the constitution. But according to many historical data that most of which, are taken from the travelogues of western tourists and later other historical texts, Iran in the Safavid period, especially in the period of Shah Abbas I, witnessed the emergence of a method of production and trade system that can be considered it as an example of the historical bourgeoisie. The definition of the historical bourgeoisie by which the developments and characteristics of the economy of Shah Abbas's period are measured, is formed by Emmanuel Wallerstein. The focus of this research was mostly in the Shah Abbas

\* Assistant professor of history, Yazd university, Yazd, Iran, (corresponding author)  
khosroabadi@yazd.ac.ir

\*\* Lecturer at Department of history, Yasuj university, Yasuj, Iran, keyvan1388@gmail.com

\*\*\* M.A in political science, Tehran University, Tehran, Iran, mohsen.kheydani@yahoo.com

Date received: 16/4/2022, Date of acceptance: 20/5/2022



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

I period. Also, looking at the art of the Safavid era, it is clear that Iran at that time, intellectually and culturally and only in urban societies, had begun to move towards a kind of materialism.

**Keywords:** Historical bourgeoisie, trade, Safavid, Shah Abbas I ,production method, textile.



## ظهور بورژوازی تاریخی در ایران عصر صفوی با تاکید بر صنعت نساجی

مریم خسروآبادی\*

کیوان کریمی الوار\*\*، محسن خیدانی\*\*\*

### چکیده

این مقاله به بررسی ظهور بورژوازی در ایران دوره صفوی می‌پردازد و سعی می‌کند به این فرضیه پاسخ دهد: در دوره صفویه، به ویژه دوران شاه عباس یکم، یعنی اواخر قرن شانزدهم و اوایل قرن هفدهم میلادی، به موازات کشورهای اروپایی، ایران نیز روند شکل‌گیری بورژوازی ملی و سرمایه‌داری تاریخی را طی می‌کرد. طبق مطالعات انجام شده، این موضوع تاکنون مورد تحقیق قرار نگرفته است و اکثر نظریه پردازان و محققان در زمینه‌های اقتصاد سیاسی، جامعه‌شناسی و علوم سیاسی، از نظر صنعت و شیوه تولید، به ظهور بورژوازی تاریخی در ایران اعتقادی نداشته‌اند. برخی نیز، آغاز آن را از اواخر دوره قاجار و پس از مشروطه می‌دانند. اما بر اساس بسیاری از داده‌های تاریخی، که بیشتر آنها برگرفته از سفرنامه‌های سیاحان غربی و در مرتبه بعد، سایر متون تاریخی است، ایران در دوره صفویه، بویژه در دوره شاه عباس اول، شاهد ظهور شیوه‌ای از تولید و نظام تجاری بود که می‌توان آن را مصداق بورژوازی تاریخی دانست. تعریف بورژوازی تاریخی که تحولات و ویژگی‌های اقتصاد زمان شاه عباس با آن سنجیده شده، از امانوئل والرشتاین است. تمرکز این تحقیق، بیشتر در زمان شاه عباس یکم بوده است. همچنین با نگاهی به

\* استادیار گروه تاریخ، دانشگاه یزد، یزد، ایران (نویسنده مسئول) khosroabadi@yazd.ac.ir

\*\* مدرس گروه تاریخ دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران keyvan1388@igmail.com

\*\*\* کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران mohsen.kheydani@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۲/۲۶، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۳/۳۰



هنر عصر صفویه، مشخص می‌شود که ایران در آن دوره، از نظر فکری و فرهنگی و صرفاً در جوامع شهری، حرکت به سمت نوعی ماتریالیسم را آغاز کرده بود.

**کلیدواژه‌ها:** بورژوازی تاریخی، تجارت، صفویه، شاه عباس یکم، شیوه تولید، نساجی.

## ۱. مقدمه

آغاز تاریخ نوین ایران و هویتی جدید، در گستره جغرافیایی که، کلیت خود را با برخی تغییرات، حفظ کرده، مربوط به شکل‌گیری دولت صفوی است. البته نه دولتی که امروز بدان دولت ملی مدرن و یا دولت - ملت می‌گویند بلکه منظور همان دو مورد مذکور، یعنی شکل‌گیری هویت و سرزمینی ایرانی است و اگر طی یک قرن گذشته تاکنون، روشنفکران و سیاستمداران و نخبگان ایرانی سعی داشته‌اند در راستای مدرن‌سازی ایران گام بردارند، بدیهی است که از این دو فاکتور هیچ‌گیزی نداشته و ندارند؛ بدان معنا که نه می‌توانند مردم را به مسلکی فارغ از تشیع درآورند و نه می‌توانند مرزهای ایران را گسترش دهند و نه می‌خواهند که آن را تحدید کنند. بلکه در پی مدرن‌سازی موجودیتی‌اند که در مراحل آخر، محصول تلاش‌های صفویان بود. البته یادآوری این نکته ضروری است که در مقدمه دولت صفوی، باید به ایلخانان مغول (۷۵۴-۶۵۴) هم اشاره نمود که به مدت هفتاد سال در مقام سلاطین خراسان و به طور کلی ایران، دفاع از مرزهایی که تقریباً بعدها همان مرزهای دولت صفوی بود در مقابل الوس‌های چنگیزی (خانان جوچی و جغتایی) و نیز ممالیک مصر بر عهده گرفتند (ر.ک: وصاف الحضرة، ۱۳۸۳: ۲۹۷ و ۲۹۶ و نیز هروی، ۱۳۸۱: ۹۰-۷۴)؛ کاری که به خاطر ایرانیان صورت نمی‌گرفت اما برای حفظ منافع ایلخانان ضروری بود. دولت صفوی به تشکیل نظامی دست یافت که والتر هینتس آن را تشکیل دولت ملی در ایران خوانده است. بعد از گذار از نوعی حکومت دینی در اوایل صفوی، بویژه در دوره شاه عباس کبیر، و به عنوان شرایطی متناسب با ثبات سیاسی حکومت، رشد و شکوفایی شرایط اقتصادی و تجاری ظهور یافت. در اروپا نیز تکوین بورژوازی چند قرن طول کشید و به نوعی از دل فئودالیسم بوجود آمد. چنین روندی را نیز می‌توان در ایران انتظار داشت. در بحث از نظام جهانی سرمایه داری اروپا محور، به گفته محققانی چون جان فوران، روابط خارجی ایران در سده هفدهم میلادی، بر مبنای برابری با قدرت‌های بازرگانی در حال پیدایش (هلند، انگلستان و فرانسه)، و امپراتوری‌های همسایگان قدرتمند ایران (هندوستان

مغولی، عثمانی و ازبک‌ها) استوار شده بود. سرمایه داری ایرانی در مقطع مورد نظر هم از طریق نقش دولت از بالا و هم از راه حضور بازرگانان مستقل از دولت ایجاد شده بود. اما به مانند هر مقطع دیگری از تاریخ ایران، با توجه به شخصی بودن اقتدار نهاد شاهی (و نه نهادی بودن این اقتدار)، هر بار با آمدن شاهی ضعیف که خود زمینه ای برای حمله خارجی یا اقدام نیروهای گریز از مرکز داخلی محسوب می شد، گسستی در ثبات اقتصادی ایجاد می شد. با این وجود با بررسی مقاطع شکوفایی، محقق پی به پتانسیل تاریخی ایران و جامعه ایرانی می برد.

### ۱.۱ بیان مساله

مدارک و شواهد بسیاری در دست است که جامعه ایرانی ماقبل صفویه جامعه‌ای بود خانقاه نشین، افسرده و کشور ایران کشوری پاره‌پاره و فاقد حاکمیت مرکزی به نحوی که در آن شرایط، تمام مردم ایران برای التیام زخم‌های درونی خود و از سر عدم امید به اصلاح اوضاع به خانقاه‌ها وابسته بوده و زندگی و تفکر درویشی را اختیار کرده بودند که البته بعدها شیوع همین نوع تفکر و همین نوع نگاه به زندگی، باعث رونق خانقاه اردبیل و خاندان صفوی شد. شاه اسماعیل اول و شاه تهماسب، با وجود شکست‌های پی در پی در مقابل عثمانی‌ها، توانستند به تمامیت ارضی و وضعیت عقیدتی ایران، یکپارچگی و انسجام بخشند. سپس نوبت شاه عباس اول بود که گام‌هایی برای رفاه و سامان‌دهی به اوضاع اقتصادی و معیشتی مردم بردارد. از شاه عباس اول به بعد در سایه امنیت داخلی و همچنین رشد و شکوفایی اقتصادی و وفور نعمت، تغییری فاحش در اوضاع و احوال روحی- روانی و فکری مردم پدید آمد. تصوفی که خود زمانی پایه‌های ظهور دولت صفوی را فراهم کرده و یکی از ارکان ایدئولوژیک دولت صفوی بود اکنون در سایه عملکرد خود دولت، می‌رفت که در اذهان مردم سُست و سرد گردد. تجلی آن را می‌توان در آثار هنری، تفریحات و اوقات فراغت و علی‌الخصوص نقاشی آن زمان یافت. هنر جدید در عصر صفوی نمایانگر ظهور افکار و احساسات مادیرایانه است. برای اولین بار در تاریخ ایران نقاشی برای استفاده افراد غیر دربار و غیر اشراف در قالب‌های تک ورقی تولید می‌شد. موضوعات به جای آنکه فزونی یابند محدودتر می‌شدند و در آنها بر زیبایی‌های ظاهری تاکید بسیار می‌گردید. مردان جوان ظریف و زنان جوان، که گویا نقش

شمایل‌های غیر مذهبی را بر عهده دارند. اینان که در ظاهر باریک و خوش اندام اما از درون تهی هستند، کمال مطلوب نظم اجتماعی نوین شدند. گذشته از نظرات و نقدها و قضاوت‌های افرادی چون «ولش» که این سبک جدید را انحطاط ارزیابی می‌کند و فردی چون «ایتنگهاوزن» آن را انقلابی در هنر صفوی میدانند خود «راجر سیوری» معتقد است که در این آثار کیفیتی وجود دارد که شاخص پایان یک عصر و آغاز عصری دیگرانند (سیوری، ۱۳۸۹: ۱۲۷-۱۳۲). این تحولات ارتباط مستقیمی با ثبات سیاسی عظیمی داشت که ساختار قدرت صفوی میسر ساخته بود (فلور، ۱۳۸۷: ۱۴). این دوره درست مصادف است با آغاز دوران قرون جدید در اروپا، عصر اکتشافات جغرافیایی، دریانوردی، آغاز رنسانس، تجارت، پایان فئودالیسم، رفرماسیون دینی و آغاز عصر بورژوازی. در این عصر بود که اقتصاد بسته، به نقطه پایان خود رسیده بود و زندگی شهری در پرتو احیاء راههای تجاری و قدرت‌گیری پادشاهان ملی رونق یافت. دیگر روستایی و زمین فئودال، عناصر مسلط اقتصادی و تولیدی بشمار نمی‌رفتند بلکه در شهرها، کارگاه‌ها به سرعت احداث و تکثیر شدند که مهمترین آنها همان کارگاه‌های نساجی و ریسندگی و پارچه‌بافی بودند. این نوشته در پی پاسخ به این سوال است که آیا در دوران صفوی و موازی با اروپا، ایران هم دارای روندی از شکل‌گیری بورژوازی ملی و سرمایه‌داری تاریخی بوده است؟

## ۲.۱ سابقه پژوهش

در مورد وضعیت اقتصادی ایران در عصر صفویه، اطلاعات قابل توجهی از رشد اقتصادی تا رشد برخی صنایع دستی نظیر قالی بافی و ساخت کاروانسراها در دسترس است بویژه در سفرنامه‌های این دوره، اما نه از زاویه‌ای که قصد داریم به آن پردازیم. تمرکز اکثر پژوهش‌ها بر موضوع بورژوازی در ایران در دوره قاجار (سمیعی، ۱۳۹۷: ۱۵۲) و پهلوی اول و دوم است. برای مثال رشد بورژوازی در دوره پهلوی را فزاینده و ظهور طبقه متوسط بورژوا را مربوط به دوره رضاشاه پهلوی ذکر می‌کنند (Devos and Werner, 2014: 95) مجموعه‌ای از تحقیقات شایان توجه و بسیار ارزشمند در این زمینه انجام شده است اما از نظر تمرکز زمانی، با پژوهش ما سازگار نیست. از جمله این آثار می‌توان به کتاب *موانع رشد سرمایه‌داری در ایران* اثر احمد اشرف (۱۳۵۹) اشاره کرد. نویسنده وضعیت نیمه استعماری، استبداد، وجود نظام عشیره‌ای و نا امنی را مهمترین عوامل عدم شکل‌گیری

بورژوازی ملی در ایران می‌داند. او ظهور سرمایه‌داری در ایران دوره قاجار را که فاقد جنبه صنعتی و صرفاً تجاری است، تصدیق می‌کند. اساس تفکر اشرف، بر این واقعیت استوار است که نظام سرمایه‌داری در ایران در دوره قاجار ظهور کرد اما فاقد دو جنبه اساسی بود: ۱- رشد سرمایه‌داری صنعتی ۲- استقرار دموکراسی یا مردم سالاری.

*ایران پیش از سرمایه‌داری*، عنوان پژوهش دیگری است که توسط عباس ولی (۱۳۸۰) انجام شده است و باز هم بر موضوع سرمایه‌داری در ایران از دوره مشروطه به بعد متمرکز است. نویسنده نظریه‌های محققان مارکسیست و غیر مارکسیست را مقایسه کرده و سپس شیوه تولید آسیایی را از هر دو دیدگاه بررسی کرده است.

پیشه وران و زندگی صنفی آنان در عهد صفوی نوشته مهدی کیوانی نیز ضمن توجه به مسائلی چون امتیازات اعطا شده به تاجران بیگانه، محدودیت‌های سیاسی اقتصادی تحمیل شده به وسیله حکومت صفوی را مانع تکامل یک بورژوازی ملی بر می‌شمرد (کیوانی ۱۳۹۵: ۲۴۲).

فلور در دو فصل از کتاب جهان صفوی (The Safavid World) به ویراستاری رودی متی، با عنوان اقتصاد و تجارت در ایران صفوی نکات مهمی را در ارتباط با شرایط اقتصادی صفویان، وضعیت و جایگاه بازرگانان ایرانی، نقش دولت در اقتصاد بیان می‌کند.

به طور کلی، نویسندگان و محققان تاریخ معاصر ایران، در رابطه با موضوع بورژوازی در این کشور، این پدیده را مربوط به دوره پس از مشروطه، بویژه دوره پهلوی می‌دانند و از اصطلاحات «کمپرادور» و «دولتی» برای آن استفاده می‌کنند و دولت، شیوه تولید آسیایی و استعمار را دلیل عدم شکل‌گیری آن در ایران می‌دانند. وجه مشترک همه آنها، عدم توجه به دوران پیش از قرن بیستم و پذیرش این فرض است که روش تولید در ایران اساساً مشابه روش تولید قبل از سرمایه‌داری و کشاورزی به روش سنتی بوده است. آثار متعدد دیگری نیز در این زمینه نگاشته شده، که همگی دارای دو خصیصه فوق می‌باشند و در ذیل به ذکر چند مورد از آنها بسنده شده است: *موانع توسعه اقتصادی ایران، مقایسه با ژاپن* از امیرباقر مدنی (۱۳۷۴)، *مالک و زارع در ایران* از آن لمبتون (۱۳۶۲)، *دموکراسی و توسعه* از آدریان لفت ویچ (۱۳۸۹) و *اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی* تألیف محمد علی همایون کاتوزیان (۱۳۹۴).

## ۲. سرمایه‌داری تاریخی و نظریه والرشتاین

سرمایه‌داری تاریخی یکی از اصطلاحات بسیار پرکاربرد در علوم سیاسی و اجتماعی است و به مانند اکثر اصطلاحات علوم انسانی، دارای تعریفی یکسان در همه مکان‌ها نخواهد بود. دولت مطلقه، دولت ملی، رفرماسیون، مارکسیسم یا سوسیالیسم مثال‌هایی از اینگونه‌اند. ما برای تعریف و مشخص نمودن فاکتورهای سرمایه‌داری تاریخی از نظریه «ایمانوئل والرشتاین» در کتاب *سرمایه‌داری تاریخی* بهره جسته‌ایم. والرشتاین سرمایه‌داری تاریخی را اینگونه تعریف می‌کند:

«سرمایه‌داری تاریخی، فضای منسجمی از فعالیت‌های تولیدی محدود در مکان و زمان است که درون آن انباشت سرمایه، هدف اقتصادی است که بر فعالیت اساسی اقتصادی حاکم است» (Wallerstein, 1983: 18)

به نظر والرشتاین، سرمایه‌داری به عنوان مرحله‌ای از تاریخ بشر نقطه آغازی دارد که بر سر آن توافق همگانی وجود ندارد. به نظر وی،

اصطلاح سرمایه‌داری از سرمایه گرفته شده است. اما هنگامی که آن را در متن سرمایه‌داری تاریخی بکار می‌بریم تعریف دقیق‌تری پیدا می‌کند. سرمایه صرفاً انباشته‌ای از مواد مصرفی، ماشین آلات یا مطالبات مجاز برای مواد و کالا در شکل پول نیست، درست است که سرمایه در مفهوم سرمایه‌داری تاریخی، به انباشت نیروی کار گذشته که هنوز مصرف نشده است اطلاق می‌شود اما اگر کل مساله همین بود آنگاه باید کل نظام‌های تاریخی از عصر انسان «نئاندرتال» تاکنون سرمایه‌داری تلقی کنیم چون در همه نظام‌ها می‌توان، ذخایری از انباشت نیروی کار گذشته را که در کالا تجسم یافته مشاهده کرد. (Wallerstein, 1983: 13)

به نظر والرشتاین، سرمایه در عصر سرمایه‌داری، تولید و توزیع و مصرفی که منجر به انباشت سرمایه می‌شود دارای ویژگی‌هایی است که آن را از کل نظام‌های ما قبل آن متمایز می‌سازد. از جمله:

- سرمایه‌گذاری ویژه سرمایه، بسط و توسعه آن
- پیوند حلقه‌های تولید در زنجیره پیچیده تولید



ظهور بورژوازی تاریخی در ایران عصر صفوی ... (مریم خسروآبادی و دیگران) ۹۵

- حضور عده‌ای کارگر مزد بگیر در کارگاه که روابط اجتماعی خاصی مطابق آن به وجود می‌آید.
- انباشت هرچه بیشتر سرمایه
- کالاهای تولید شده باید بیش از نیاز اساسی مالک باشند.
- وجود مکانی به نام بازار که کالاها در آن عرضه می‌شوند.
- وجود شبکه‌ای از توزیع کنندگان (Wallerstein, 1983, ۱۳-۱۴)

به نظر والرشتاین منشأ پیدایش نظام سرمایه‌داری تاریخی در اروپای اواخر سده پانزدهم قرار دارد (Wallerstein, 1983: 19). هرچند که وی به الگوی کهن اقتصاد جهانی امپراتوری‌های گذشته نیز توجه دارد یعنی محور چین، ایران و روم (Wallerstein, 1974: 16). و برای محدوده زمانی قرن ۱۶ میلادی نیز به تجارت بین ایران و اروپای غربی از طریق روسیه اشاره می‌کند، گرچه ایران را نیز مانند روسیه و عثمانی بخشی از تجارت جهانی اروپایی نمی‌دانست (Wallerstein, 1974: ۳۰۱). حال ما به منظور محک اوضاع اقتصادی - اجتماعی دوران صفویه با کارکترهای فوق و مشخصاً از شاه عباس اول به بعد تا سقوط صفویه، به ذکر تحولات اقتصادی از جمله مهمترین آن یعنی شیوه تولید و نیز تجارت آن دوره می‌پردازیم.

### ۳. سرمایه‌گذاری ویژه سرمایه، بسط و توسعه آن

برای بررسی تطابق مورد اول با اقتصاد دوره صفویه، مفصلاً به تحولات اقتصادی آن دوره و مخصوصاً به توضیح کارگاه‌ها می‌پردازیم.

عصر صفویه دوره ممتاز بافندگی و نساجی ایران بشمار می‌آید. فلور خروجی کار استادان ماهر را، از نظر کیفیت در سطح جهانی می‌داند و با اذعان به وجود آن پیشه در همه شهرهای کشور، آنرا مهم‌ترین صنعت ایران ذکر می‌کند (Floor, 2022: 254). کارگاه‌های متعددی در ایران شکل گرفت که نسبت به ما قبل صفویه از نظر تعداد، کیفیت کار، تکنیک‌های کاری و تولیدی، حجم تولید و مکانیسم تولیدی کاملاً بی‌سابقه بود. تبریز، هرات، یزد، اصفهان، کاشان، رشت، شیراز، مشهد، قم، ساوه، سلطانیه، اردستان، شیروان، قره‌باغ و گیلان مهمترین مراکز نساجی این دوره بود. در میان این شهرها کاشان، اصفهان،

یزد و تبریز شهرت بیشتری داشتند. در کاشان به عنوان مرکز بزرگ تهیه منسوجات ابریشمی ایران، تنها در یکی از نقاط حومه شهر به نام آبادی هارون، هزار کارگر ابریشم بافت وجود داشت (شاردن، ۱۳۳۶، ج ۳، ۸۶-۸۵). یک نوع شال می‌بافتند که در تار و پود آن طلا به کار می‌رفت، و روی پارچه‌ای دیگر به نام «میلک»، اشعار ایرانی و نقش زن و مرد، بافته می‌شد و در تار و پود پارچه‌ای به نام زربفت، طلا و نقره به کار می‌رفت (دلاواله، ۱۳۷۰: ۱۳۶، ۱۴۱ و ۱۵۰)، که دانش بافندگی ویژه‌ای نیاز داشت (floor, 2022: 254). عده کثیری هم عمده جات ابریشم باف خیلی ماهر در تبریز مشغول بودند و از ابریشم خامی که از گیلان می‌رسید، نخ ابریشمی تهیه می‌شد (کارری، ۱۳۴۸: ۲۱). تبریز در آن زمان، مراوده تجاری عمده‌ای با عثمانی، اعراب، گرجی‌ها، هندوستان و دولت مسکوی -تاتارها داشت و بازارهای سرپوشیده آن پر از امتعه نفیسه بود. در سایر شهرهای ایران و از جمله لار که اغلب ساکنان آن یهودی بودند و یزد نیز کارگاه‌های نساجی دایر بود (تاورنیه، ۱۳۳۶، کتاب اول: ۶۷ و کتاب پنجم: ۶۷۵). یزد، بازار و مرکز بازرگانی میان هندوستان، خراسان، بغداد و ایروان بود و پارچه‌های بافته شده از کرک و پشم شتر در کارگاه‌های این شهر و کرمان بافته می‌شد (شاردن، ۱۳۷۲، ج ۲/ ۸۹۷). تمامی فاصله بین میدان مرکزی اصفهان و چهلستون که حدود نیم کیلومتر است دستگاه‌های بافندگی، در بر گرفته بود و در بازار این شهر، برای ۲۵۰۰۰ کارگر، دکه وجود داشت (سیوری، ۱۳۸۹: ۱۳۸). اکثر کارگاه‌ها در کنار خیابان تعبیه شده بود (کمپفر، ۱۳۶۳: ۱۹۷). در برخی جاها مانند کاشان، قسمتی از آن را دیواری کشیده بودند که محل کار بافندگان و تهیه کنندگان ابریشم بود (فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۲۴۶). در برخی کارگاه‌ها، منسوجات زربفتی می‌بافتند که هر گز آنها پنجاه تومان ارزش داشت. برای بافت این نوع پارچه ارزشمند، باید پنج یا شش کارگر ماهر و چابک دست با هم کار می‌کردند و از بیست و چهار تا سی نوع ماکو و قلاب مختلف استفاده می‌شد. صنعتگران ایران، با مهارت تمام، انواع نقش‌های گل و برگ یا تصاویر و اشعار را با قالب، روی اقسام پارچه می‌انداختند. انواع و اقسام پارچه‌های بافت ایران از قبیل تافته، پارچه‌های بافته‌شده از ابریشم خالص، منسوجات ابریشمین موج‌دار، ساتن، پارچه‌های ابریشمین مخصوص دستار، شال کمر، دستمال، منسوجات بافته شده از ابریشم و نخ، یا ابریشم و پشم، یا کرک و ابریشم چنان زیاد بود که شاردن می‌گوید ذکر آنها باعث اطاله کلام می‌شود (شاردن، ۱۳۷۲، ج ۲/ ۸۹۵ و ۸۹۷). همزمان با رشد و توسعه صنعت نساجی، قالیبافی نیز به اوج شهرت خود رسید و توسط صفوی‌ها از سطح یک صنعت روستایی به صنعتی کاملاً صادراتی تبدیل

شد. در کاشان و دیه‌های اطراف آن، اصفهان، کرمان و سیستان، قالی‌های بسیار ظریف و مرغوبی بافته می‌شد که در سراسر جهان نظیر نداشت و چون قالی‌های ایران از راه عثمانی به اروپا صادر می‌شد، در اروپا به عنوان قالی‌های عثمانی خوانده می‌شدند (فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۲۴۶؛ شاردن، ۱۳۷۲، ج ۲/ ۸۹۶)

در بافت این فرش‌ها، سیم و زر به کار می‌رفت و «زرگرباشی» رئیس بافندگان این نوع فرش‌ها بود (کارری، ۱۳۴۸: ۱۶۷). گفته شده پادشاه لهستان «سیگسموند سوم» (۱۶۳۲-۱۵۸۷) که سلطنت وی مقارن با سلطنت شاه عباس اول بود، سفارش فرش داده بود (نویسی، ۱۳۸۶: ۱۲۹). قبل از صفویان تولید فرش در حد انبوه نبود و پس از انقراض آنان نیز، طبیعتاً تولید فرش متوقف شد و نمونه‌های تولید شده، به خاطر زر و سیم‌های به کار رفته در آنها تکه تکه شدند و شاید به همین دلیل است که موزه‌های دنیا هیچ نمونه‌ای از فرش‌های ایرانی متعلق به قبل از قرن شانزدهم را ندارند. فرش معروف به «اردبیل»، یکی از بزرگ‌ترین گنجینه‌های موزه ویکتوریا و آلبرت در لندن و فرش معروف به «نقش شکارگاه میلان»، که اکنون موجود می‌باشد، هر دو متعلق به دورانی است که هنوز فرش به یک صنعت صادراتی و انبوه تبدیل نشده و در واقع آغاز راه بود (سیوری، ۱۳۸۹، ۱۳۶-۱۳۲). گزارش‌های سفرنامه‌های ونیزیان در ایران که از دوران حکومت اوزون حسن تا اوایل دوره صفوی را در بر گرفته گویای آن است که پیش از شاه عباس صفوی، در شماری از شهرهای ایران از جمله یزد، کاشان، گیلان، هرمز، آستارا نزدیک باکو، لنکران و مازنداران، بافت پارچه‌ها و قالیچه‌های ابریشمی مرسوم بوده است و تبریز نیز راه عبور کاروان‌هایی بود که مقدار فراوانی ابریشم به مقصد حلب حمل می‌کردند (سفرنامه‌های ونیزیان در ایران، ۱۳۷۳: ۸۹ و ۹۵ و ۱۰۰؛ ۳۴۵ و ۱۴۹). باربارو، شنیده که شهر یزد، هر روز به دو خروار ابریشم، بالغ بر ده هزار بار نیاز داشته است. شهر دارای حومه‌ای بسیار وسیع بود و همه مردم به نساجی و بافتن پارچه‌های گوناگون ابریشمین سرگرم بودند و مقداری از این پارچه‌ها به هند، داخل ایران، جغتای، چین و ماچین و بخشی از ختا و ترکستان صادر می‌شد. همچنین جوزفا باربارو، صد غرفه مشاهده کرده که در آنجا با فرش‌های ابریشمی بسیار زیبا و شگفت‌انگیز در زمان اوزن حسن پوشانده شده بودند که به گفته وی، تفاوت میان آنها در مقایسه با فرش‌های قاهره و بصره به قدر پارچه‌های پشمی انگلیسی و پارچه‌های پشمی سن ماتیو بوده است (سفرنامه‌های ونیزیان در ایران، ۱۳۷۳: ۷۶-۷۷ و ۹۰). با وجود تولید فرش‌های نفیس در دوران‌های قبل، در عصر صفوی و خصوصاً شاه عباس

اول، برای اولین بار در تاریخ ایران، شکل کارگاهی به صورت «مانیفاکتور» یا صنایع کارخانه‌ای مشاهده می‌شود. کارخانه یا خانه دستگاه‌های تولیدی که به گفته تاورنیه، قالی‌های اعلی از طلا و نقره یعنی زری، ابریشم، پشم و پارچه‌های زری اعلی، مخمل و تافته و سایر اقسام حریر در آنجا بافته می‌شد (تاورنیه، ۱۳۳۶، کتاب پنجم، ۵۷۹). در واقع جریان تولید از واحدهای کوچکتر متعدد یا کارگاه‌های صنایع و هنرهای دستی، به واحدهای بزرگ‌تر مثل کارگاه‌ها انتقال یافته بود و این مهم با توجه به ظهور کارگاه‌های متعدد اثبات می‌شود. شاه که به گفته مینورسکی بزرگترین سرمایه دار بود (کیوانی، ۱۳۹۵: ۲۴۲)، در تمام شهرهای اصلی کشور دارای کارخانه بود و بزرگان و سرکردگان نیز مجاز بودند مالکیت این کارگاه‌ها را که در آن استادان به بافتن پارچه‌های مختلف بخصوص پارچه‌های ابریشمی مشغول بودند داشته باشند. ویر لفظ کارخانه را مقوله ای وابسته به اقتصاد سرمایه داری می‌داند و تولیدات سلطنتی را نزدیکترین مفهوم به کارخانه‌های امروز ذکر می‌کند (ویر، ۱۳۸۴: ۲۰۷-۲۰۶). فلور بازرگانان و نخبگان سهم در قدرت را صاحبان ابزار تولید ذکر می‌کند (floor, 2022: 254). دلاواله می‌گوید: روی هم رفته طرز تهیه پارچه و فروش آن همان است که اکنون در کشور ما بدان عمل می‌شود و عده زیادی از استادکاران و بازرگانان به این کار مشغولند (دلاواله؛ ۱۳۷۰، مکتوب چهارم: ۱۵۵). شاردن در این باره چنین گزارش داده است:

پس از تشریح هنرهای دستی ایرانیان نوبت آنست به صنایع کارخانه‌ای این سرزمین اشاره رود. حقیقت اینست که صنعت نساجی نخی و پشمی ایران، پیشرفت کلی یافته است. مخصوصاً در صنعت تولید ابریشم و بافتن پارچه‌های ابریشمین موفقیت‌های عظیمی نصیبشان شده است، و کارخانه‌های بزرگ و مجهزی به کار انداخته‌اند. هنرمندان و متخصصان ابریشم‌کاری بتخصیص در این رشته دستگاه‌های ریسندگی و بافندگی و دوکها و چرخهایی اختراع کرده‌اند که با ماشینها و ابزار و آلاتی که ما در این صنعت به کار می‌بریم رقابت می‌کنند. ایرانیان هر سال مقدار زیادی ابریشم به خارج صادر می‌کنند (شاردن، ۱۳۷۲، ج ۲/ ۸۹۵).

در این دوره، در شکل زندگی روستایی و معیشت سنتی مردم نیز تغییرات بزرگی رخ داد و شهرنشینی به شکل بی‌سابقه‌ای در ایران رشد کرد. اشکالی از تولید شکل گرفت که تا آن زمان بی‌سابقه بود. شاردن ضمن اشاره به حقه بازی و اختلاف و ستم در روابط ارباب و رعیت، زندگی روستاییان ایرانی را نسبتاً در رفاه ذکر می‌کند به طوری که می‌نویسد به

جرات می توانم بگویم که در سرزمین های حاصلخیز اروپا رعایایی وجود دارند که وضعشان به مراتب بدتر از آنان (ایرانیان) است (تذکره الملوک، ۱۳۷۸: ۳۶). همزمان در غرب نیز تحولات بسیار زیادی به وقوع پیوسته بود. بدان معنا که بعد از شکسته شدن حصارهای عقیدتی ناشی از تسلط کلیسای واتیکان و نیز حصارهای اقتصادی ناشی از تسلط فئودالیسم، تجارت و سیاحت غربی ها با سایر جوامع بشری، رشد بی سابقه ای یافته بود. ایران یکی از آن کشورها بود که با دولت های ملی اروپایی روابطی غیر قابل انکار داشت چه به لحاظ سیاسی و چه تجاری. عاملی که این ارتباط را شدت بخشید، دشمنی مشترک و قدرتی نوظهور بود به نام امپراتوری عثمانی. به طوری که اهداف دخالت شاه عباس اول در تجارت ابریشم، علاوه بر افزایش نقدینگی برای حکومت، تغییر راه تجارت و صدور کالا از عثمانی بود (کیوانی، ۱۳۹۵: ۲۴۲). همگام با ارتباطات سیاسی ایران با دولت های اروپایی، تجارت نیز از دو طریق روسیه و اقیانوس هند و «دماغه امیدنیک» در جریان بود و روز به روز در حال گسترش. برودل کشف دماغه امیدنیک را فرصتی برای تسخیر جهان تعبیر می کند (برودل، ۱۳۷۲: ۵۴۵). سفرنامه های اروپایی از حضور مداوم تجار و سفرای پرتغالی، انگلیسی، هلندی، سوئدی، سیام، ازبک، مسکو و عراق عرب در دربار سلاطین صفویه یاد کرده اند (کمپفر، ۱۳۶۳: ۲۶۰، ۲۶۴-۲۶۵). رابرت شرلی در اواخر سال ۱۶۲۳، پیشنهادهای مساعد شاه عباس را در باب امور تجاری به اطلاع جیمز اول پادشاه انگلستان رساند و جیمز حاضر شد که چند کشتی به خلیج فارس بفرستد و بدون واسطه کمپانی تجاری شرق، ابریشم از ایران بخرد (شرلی، ۱۳۸۷: ۱۹۳). انگلیسی ها و هلندی ها در بندرعباس تجارت خانه داشتند و تمام کشتی های بزرگی که از هندوستان برای ایران و عثمانی و سایر نقاط آسیا و اروپا، مال التجاره بار می گرفتند به بندرعباس لنگر می انداختند. در وقت ورود کشتی ها به گفته تاورنیه، تجار زیادی در آنجا اغلب ایرانی، ارمنی و هندی های مقیم ایران حاضر می شدند. هلندی ها نیز در لار خانه داشتند (تاورنیه، ۱۳۳۶، کتاب پنجم، ۳۸۸ و ۶۷۳). هندی ها هم در کاشان و اصفهان به تجارت مشغول بودند (اولئاریوس، ۱۳۶۳: ۱۶۶). احداث کارگاه های متعدد و رشد تجارت، تحول بزرگی بین دوره ماقبل صفویه و بعد از این سلسله بوده است. بازار تجارت و خصوصا تجارت ابریشم چنان داغ بود که نماینده اسپانیا از پادشاه صفوی درخواست کرد که به انگلیسی ها اجازه ورود به خاک ایران داده نشود تا مبادا به منافع دولت پرتغال صدمه وارد گردد (دلاواله، ۱۳۷۰: ۱۱۷) و شرکت هند

شرقی انگلیس دستور داده بود که به سفاین پرتغالی حمله برند تا رابرت شرلی را دستگیر کنند (شرلی، ۱۳۸۷: ۱۷۸).

جان فوران با استفاده از واژگان نظریه نظام جهانی والرشتاین (هسته مرکزی، منطقه حاشیه‌ای، منطقه نیمه حاشیه‌ای و عرصه خارجی)، جایگاه ایران عصر صفوی را متعلق به عرصه بیرونی می‌داند که هنوز بخش جدایی ناپذیر اقتصاد جهانی اروپا نبودند اما بعدها به منطقه حاشیه‌ای وارد شدند. با این وجود این جایگاه در اوج قدرت صفویه (سده هفدهم ۱۰۷۹-۱۱۷۹ ش)، بخشی از هسته غیر اروپایی جهان به شمار می‌رفت و در طول سده نوزدهم (۱۱۷۹-۱۲۷۹ ش) به حاشیه نظام سرمایه‌داری جهانی کشانده شد. به گفته فوران در تجارت بین ایران صفوی و طرف‌های تجاری از جمله کمپانی‌های هند شرقی هلند و انگلیس، شاه عباس با کالای کلیدی ایران یعنی ابریشم، شرایط تجارت و شرکای تجاری را در خلال مذاکرات آزاد با اروپاییان تعیین می‌کرد و از نظر ورود شمش‌های نقره به ایران، تراز بازرگانی به سود ایران تمام می‌شد. بازرگانان محلی نیز از جمله ارمنیان، ثروتمند، آگاه و مثل خود انگلیسی‌ها زیرک و تیزهوش بودند (Foran, 1993: 6, 38-39, 114-116). کیوانی به نقل از امرسون می‌نویسد: "شاه عباس اول به شکلی تلاش کرد که تا حدودی مشابه با سنت مرکانتیلیستی برای توسعه تجارت و صنایع داخلی ایران تا حد امکان پول از کشور خارج نشود (کیوانی، ۱۳۹۵: ۲۱۴). سیوری ضمن اذعان به زیرکی شاه عباس در تحصیل کمک از انگلیسی‌ها برای پایان دادن به حاکمیت پرتغال در خلیج فارس، دادن امتیازاتی به اروپاییان از جمله آزادی ادای مراسم مذهبی و تشویق کاتولیک‌ها به تاسیس صومعه در ایران را برای توسعه تجارت خارجی و جلب نظر مساعد بازرگانان اروپایی نسبت به تجارت در ایران ذکر می‌کند (سیوری، ۱۳۸۹: ۱۹۵-۱۹۴).

#### ۴. پیوند حلقه‌های تولید در زنجیره پیچیده تولید

برای تولید لباس، پارچه، نخ، ماشین و نیروی کار مورد نیاز است. هر یک از این عناصر و نیز اقلامی که در تولید آنها به کار می‌رود به نوبه خود باید تولید شوند. تقسیم کار مانیفاکتور به وسیله تجزیه کردن فعالیت پیشه‌وری، ایجاد تخصص در ادوات کار، پرورش جزء کاران، مجتمع ساختن و پیوند آنها در درون یک مکانیسم جمعی، موجب قشربندی کیفی و تناسب کمی بر روند تولید می‌شود. شواهد موجود، حاکی از بروز چنین تحولی در

دوره صفویه است. بدین معنا که حلقه‌های تولید در زنجیره پیچیده تولید در کارگاه‌های متعدد دوره صفویه به هم پیوند خورده است و مانیفاکتورها، مشاغل پراکنده سابق را به هم پیوند داده بود (فیوضات، ۱۳۶۴: ۴۷). به طور مثال صورت مخارج کارگاه‌های متعدد دربار (شالباف‌خانه، حلاج‌خانه، جوراب‌خانه، کفشدوزخانه، طلادوزخانه، پوستین‌خانه؛ زرگرخانه؛ مسگرخانه؛ نقاشخانه، نجارخانه و غیره)، از طرف منشی هر یک از قسمت‌ها، در دفترخانه بیوتات وارد می‌شد. قسمتی از مواد خام مورد احتیاج کارگاه‌ها با پول نقد و قسمتی از طرف املاک خاصه و تحف و هدایای حکام دور و نزدیک تامین می‌گردید. کارگاه‌ها هر سه ماه یک بار هم از خزانه مبالغ معینی دریافت می‌کردند (کمپفر، ۱۳۶۳: ۱۵۵ و ۱۵۲-۱۵۰).

## ۵. شکل‌گیری طبقه کارگر صنعتی

شاید بتوان ارتباطی بین جمعیت شهرها و شکل‌گیری و رشد گروه‌های بازارمحور برقرار کرد. در این رابطه برودل قرن شانزدهم را رشد جمعیت به نفع شهرها می‌داند، وی جمعیت پاریس و لندن را به عنوان پیشگام و ناپل را در آخرین سالهای قرن شانزدهم سیصد هزار نفر ذکر می‌کند. این در حالی است که میزان سکنه پاریس را در سال ۱۵۹۴ میلادی صد و هشتاد هزار نفر می‌نویسد (برودل، ۱۳۷۲: ۵۴۶). مقارن این زمان، اصفهان به گفته ویلم فلور، پانصد هزار نفر و تبریز حتی بیش از دویست هزار نفر جمعیت داشته است (فلور، ۱۳۹۳: ۲؛ floor, 2022: 246). شمار آدمیان بدون تردید سرشت شهرها را تعیین می‌کند (برودل، ۱۳۷۲: ۴۹۶). مقارن این دوره جمعیت شهری ایران پانزده درصد تخمین زده می‌شود، که بیشتر به تجارت و خدمات اشتغال داشته است (floor, 2022: 246). در همین رابطه ظهور مانیفاکتورها (صنایع کارخانه‌ای) و تخصصی شدن کار در کارگاه‌های مختلف دوره صفوی، طبیعتاً به تقسیم کار می‌انجامد و تقسیم کار نیز روابط اجتماعی خاصی را شکل می‌دهد. شاردن به کارگاه‌های کاشان و کارگران روستای هارون و نیز دکه‌هایی که در بازار اصفهان برای ۲۵۰۰۰ کارگر وجود داشته اشاره کرده است به گفته وی، پادشاه دارای سی و دو کارخانه بود. عدّه کارگران بعضی کارگاه‌ها از صد و پنجاه نفر بیشتر و در برخی کمتر بود. به گفته وی در گذشته عدّه کارخانه‌ها بیشتر بوده است (شاردن، ۱۳۷۲، ج ۴/ ۱۴۲۰) که اشاره به دوره شاه عباس است. تذکره الملوک شمار کارخانه‌ها را

سی و سه عدد ذکر کرده است (تذکره الملوک، ۱۳۷۸: ۴۹). شاردن در مورد طریقه استخدام کارگران می‌نویسد:

نخست، داوطلب خدمت، خود را به مسئول کارخانه‌ای که مایل به کار کردن در آنست معرفی می‌کند. در صورت موافقت، رئیس مربوطه، تقاضانامه و نمونه کار داوطلب را پیش ناظر کل (پیشکار شاه) می‌فرستد. اگر وی موافقت کرد کارگر را با نمونه کارش به حضور شاه معرفی می‌کند یا تنها نمونه کارش را به نظر شاه می‌رساند. چنانچه معظم له نیز وی را پذیرفت، حقوقش معین و برقرار می‌شود. کلیه کارگران همانند دیگر خدمتگران شاه حقوق خود را با حواله دریافت می‌کردند و رئیس دیوان محاسبات، حواله را به عهده ایالات یا مأموران وصول و تحویل داران املاک شاه صادر می‌کرد (شاردن، ۱۳۷۲، ج ۴/ ۱۳۰۴-۱۳۰۵).  
قالی را کارگرانی که در آبادیها و دیه‌ها اقامت داشتند و املاک شاه در اختیار آنها بود می‌بافتند و مزد خود را از مال‌الاجاره کم می‌کردند. صاحب‌منصبی که ارباب تحویل‌نامیده می‌شد و خرید اجناس به عهده او بود مدیر کل همه کارخانه‌ها و کارپردازی‌هایی موجود در پایتخت، دیه‌ها و آبادی‌هایی بود که برای شاه کار می‌کردند. مزد کارگران متغیر بود و هر سه سال یکبار، مبلغی بر حقوق کارگران افزوده می‌شد، و یا مبلغی به عنوان پاداش به آنان می‌دادند. کارگران آزاد بودند به جای غذا یا جیره جنسی، بهای آن را بگیرند. هر کارگر در بدو استخدام سند یا فرمانی که مفاد آن در همه دفاتر محاسباتی ثبت شده بود و به توشیح شاه موشح گشته، و به مهر وزیران و صدر اعظم و ناظر رسیده دریافت می‌کرد. کارگران این کارخانجات تا پایان عمر هرگز اخراج نمی‌شدند، و در صورت بیماری یا سانحه، همه حقوقشان پرداخت می‌شد و رایگان پزشک دربار آنها را معالجه می‌کرد (شاردن، ۱۳۷۲، ج ۴/ ۱۴۲۲-۱۴۲۱). به گفته کمپفر، حقوق سالانه روسای کارگاه‌ها و تاسیسات مختلف دربار بر حسب اعتبار و اهمیت شغل بین بیست تا چهل تومان متغیر بود. یک استاد ساده یا کارگر تازه وارد، هر سال در حدود ۱۰ تا ۱۵ تومان حقوق دریافت می‌کرد. امتیاز خاص برخورداری از غذای مجانی و سوخت مجانی نیز جزو حقوق بود؛ این اضافات قسمتی روزانه، قسمتی هفتگی و قسمتی فقط سالانه تحویل می‌گردید (کمپفر، ۱۳۶۳: ۱۵۵). در باب استخدام و ورود به کارخانه‌های سلطنتی باید گفت که پیشه‌وران غیرایرانی تنها در صورتی که مهارت آنها را پیشه‌وران ایرانی نداشتند، به استخدام در می‌آوردند (کیوانی، ۱۳۹۵: ۱۶۸-۱۶۷).



## ۶. انباشت هر چه بیشتر سرمایه

در مورد میزان سرمایه و موجودی تجار، اطلاعات ارزشمندی وجود دارد تا جایی که در قسمت شبکه توزیع، از آنها یاد خواهد شد. تجار این دوره، نه از نخبگان حکومتی و نه متعلق به خیل عظیم طبقه پایین جامعه، بلکه بخش بزرگی از طبقه‌ی نو ظهور بودند. آنها صاحب ثروت و سرمایه‌ای شدند که در مقیاس آن زمان و نسبت به حجم پول آن دوران، بسیار چشمگیر بوده است. تاجری به نام «خواجه پطروس»، هنگام مرگ، ۴۰ هزار تومان از خود به جای گذاشته بود و خواجه نظر یکی از ارامنه معتبر جلفا و کلانتر ارامنه، به افتخار وطن اصلی خود جلفا دو کارونسرای بزرگ در آنجا بنا کرد (تاورنیه، کتاب اول، ۶۳-۶۲). شاردن در این مورد می‌گوید:

مشکل است باور کرد که چه اعجازی از یک حکومت خوب در سرتاسر مملکت به منصفه ظهور رسیده است. شاه عباس مهاجرین ارامنه را که مردم زحمتکش و صنعتگر می‌باشند به پایتخت خود آورد در حالیکه یک ستاره در هفت آسمان نداشتند ولی بعد از ۳۰ سال به اندازه‌ای با تمکن شده‌اند که از میان آنان بیش از ۶۰ بازرگان برخاست که هر یک از آنان از صد هزار «اکو» تا دو میلیون ثروت جنسی و نقدی داشت (شاردن، ج ۴ / ۱۳۳۶: ۳۸-۳۹).

این واقعیت که تمام صحن برخی از کلیساها با راهروها، ورودی‌ها و پله‌ها، با فرش‌های اعلی از نذورات ارامنه مفروش شده بود و تاورنیه را شگفت زده ساخت نشان از ثروت این قشر ثروتمند تجار داشته چنانکه وی نوشته است: «زینت‌های نفیس برخی از این کلیساها، در هیچ یک از کلیساهای دول مسیحی یافت نمی‌شود» (تاورنیه، کتاب اول: ۴۸).

بیشتر پول‌های معتبرین اصفهان، در دست هندوهای بت پرست یا بانیان ساکن در اصفهان بود که بیشتر آنها صراف می‌کردند و شمارشان حدود ده تا دوازده هزار نفر تخمین زده می‌شد (تاورنیه، کتاب چهارم، ۴۰۹). فیگوئروا، سفیر اسپانیا در دربار شاه عباس اول هم به بازرگانان بسیار ثروتمند پرتغالی ساکن هرمز و نیز گروه کثیری از جمعیت بیش از چهل هزار نفری شهر، اشاره کرده که بازرگان و ثروتمند بودند و در ایران و عربستان به داد و ستد می‌پرداختند (فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۵۹-۶۱ و ۵۲). برودل ایران را در دنیای اسلام به عنوان یک "چار راه فعال" که از تجارت جهانی به همراه استانبول سود می‌برد، موردی استثنایی در نظر می‌گیرد و از زبان جهانگردی در باب فلزاتی که از امریکا خارج می‌شود می‌

نویسد این فلزات پس از درنوردیدن اروپا بعضا به ترکیه و بعضا به ایران می رود تا با ابریشم مبادله شود، وی خزانه شرق را مرکز تمام طلا و نقره های در گردش دنیا ذکر می کند (برودل، ۱۳۷۲: ۴۵۱-۴۵۰؛ ۴۴۸). فلور نیز ضمن اشاره به مبادلات تهاتری، محصولاتی مانند ابریشم و کرک را جزو کالاهای با مبادله نقدی ذکر می داند (floor, 2022: 247). در تبریز هم عده زیادی تجار و مقدار وافر مال التجاره وجود داشت و پول در آنجا بیش از سایر نقاط آسیا در گردش و جریان بود و چندین خانواده ارمنی متمول و تاجر در آنجا زندگی می کردند. در اردبیل هم بواسطه مجاورت گیلان و نزدیکی شماخی که ابریشم به حد وفور می آمد و معبر این دو شهر به طرف اسلامبول و از میر، شهر اردبیل بود، تسلسل قوافل و تجار که گاهی به هشتصد نهصد شتر می رسید، آنجا را هم مثل تبریز ثروتمند ساخته بود (تاورنیه، کتاب اول: ۷۶ و ۶۶). نهایتا اینکه گفته شده که افاغنه از تسخیر اصفهان و غارت اموال تجار اصفهان و جلفا متمول شدند (کروسینسکی، ۱۳۶۳: ۶۸)، اشاره به انباشت ثروت در اصفهان دارد. کیوانی این ثروت آرامنه و کمپانی ها و ورود کالای اروپایی و هندی را به ضرر تاجر بومی می داند گرچه در نهایت محدودیت های سیاسی و اقتصادی که به وسیله حکومت صفوی تحمیل شده بود را مانع اصلی رسیدن به بورژوازی ملی در نظر می گیرد (کیوانی، ۱۳۹۵: ۲۴۲). با این وجود کیوانی خود در مقاله اصناف در دایره المعارف بزرگ اسلامی با توجه به گسترش اصناف و توسعه تجارت با همسایگان و کشورهای اروپایی، اصناف را در شرایط نهاد نیمه مستقل معرفی می کند (کیوانی، ۱۳۷۹: ۲۷۵). ولی باید پذیرفت که بازرگانان و خرده بورژواها و کسبه شهری در نهایت، حکومت مرکزی را به علت تسلط بر کانون های قدرت مرکزگریز و حفظ نظم نسبی بر دیگران ترجیح می دادند (اکبری، ۱۳۵۷: ۱۸). در نگرش های دیگری محققى چون فلور، رویکرد دولت صفوی را در حوزه اقتصاد، به جز دخالت های محدودی، رویکردی مبتنی بر بازار آزاد ذکر می کند و بازاریان را مصون می دانست که به بدون ترس از دخالت دولت کار خود را انجام می دادند (floor, 2022: 264-265). این امر با نگرش مارکس و انگلس مبتنی بر ارزش اضافی به زور ستانده شده در دست والیان و پادشاهان طمعکار، در سلطه شرقی (ویتفوجل، ۱۳۹۲: ۵۸۷)، حداقل در برهه هایی از تاریخ ایران، مغایرت دارد.

## ۷. کالاهای تولید شده باید بیش از نیاز اساسی مالک باشند

در کارگاه‌های دوره صفویه، حجم کالاهای تولیدی به حدی بود که از نیازهای اولیه صاحب آن بسیار فراتر می‌رفت. اولناریوس نوشته است:

در ایران هر سال باتوجه به وضع محصول، ده تا بیست هزار عدل ابریشم و پنبه جمع می‌آید، از این مقدار در ایران حداکثر یکهزار عدل در داخل مصرف می‌شود و باقی‌مانده تماماً توسط کشتی‌های هلندی و انگلیسی به هندوستان، ترکیه و ایتالیا حمل می‌شود (اولناریوس، ۱۳۶۳: ۲۸۰).

کورنلیس دی بروین جهانگرد هموطن فلور از ارزانی در ایران سخن گفته است و به گفته شاردن دهقانان در ایران وضعیت بهتری نسبت به دهقانان فرانسوی داشته اند (floor, 2022: 246). فلور خود از اهمیت مراکز مهم تولیدات نساجی در شهرهای کاشان، یزد، تبریز، مشهد، اصفهان و کرمان در سطح ملی و حتی بین‌المللی سخن می‌گوید، وی علاوه بر تولید زیاد، برتری فنی و زیبایی تولیدات را در امر فوق‌دخیل می‌داند. وی لیستی از سایر شهرهای سهمیم در این تولیدات را ذکر می‌کند از جمله لار، شوشتر، ادستان، قم، گیلان، جهرم و غیره. همچنین در نقاط روستایی برای مثال شغل اصلی روستاهای حاشیه جاده مشهد-بیرجند- یزد را ساخت فرش ذکر می‌کند (floor, 2022: 255).

## ۸. وجود مکانی به نام بازار که کالاها در آن عرضه می‌شوند

وجود بازارهای دوره صفویه در اکثر شهرهای ایران امری است بسیار واضح چرا که هنوز بسیاری از این بازارها در شهرهایی از جمله اصفهان موجود است و پذیرای گردشگران داخلی و خارجی و همینطور محققین می‌باشد و جزو آثار هنری و تاریخی محسوب می‌شود. راجر سیوری در مورد بازار اصفهان از زبان «فرایر» که در ۱۶۷۷ از اصفهان بازدید کرده می‌گوید: «این حیرت‌انگیزترین نمونه عظمت در بزرگداشت تجارت که تمامی جهان می‌تواند به آن بنزد و بورس‌های ما در مقابل این بازارهای معروف، ساختمان‌های پراکنده‌ای بیش نیستند» (سیوری، ۱۳۸۹: ۱۶۲). تاورنیه به بازارهای زیبای کاشان اشاره کرده (تاورنیه، کتاب اول: ۸۷) و فیگوئروا در مورد بازار لار که پایگاه تجارت و قرارگاه همیشگی کاروان‌ها، قوافل فارس، کرمان و هرمز بود نوشته است:

آنچه بیشتر بدین شهر قدر و اعتبار می‌دهد وجود مرکز تجاری است برای هرگونه داد و ستد نقدی، که آن را بازار می‌نامند. بانی این بازار که بدون شک یکی از زیباترین و فاخرترین بناهای سراسر قاره آسیاست و می‌تواند با مجلل‌ترین فروشگاه‌های اروپا برابری کند الله وردی خان سلطان شیراز است. در این بنای بزرگ، مجموعاً بیست بازار و بازارچه، یعنی چهار بازار بزرگ که به چهار در بزرگ ختم می‌شوند و شانزده بازار کوچکتر که به بازارهای بزرگ راه می‌یابند وجود دارد. در دکان‌های اطراف بازارها، همه نوع کالای تجارتمی به فروش می‌رسد. عابریان از بام تا شام گروه‌گروه در بازارها آمد و رفت می‌کنند و عده آنها از مراجعان معروفترین بازارهای اروپا هم بیشتر است. در یک کلام ساختمان این بازار به قدری مجلل است که می‌تواند رونق بخش زیباترین شهرهای جهان باشد (فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۸۷-۹۰).

کمپفر نیز با اشاره به این نکته که در شهرهای دیگر ایران، به بازار بزرگ، قیصریه می‌گویند نوشته است: این بازار بزرگ معیار خوبی است برای اظهار نظر درباره رفاه اجتماعی و توسعه داد و ستد در هر ناحیه (کمپفر، ۱۳۶۳: ۱۹۴). دلاواله هم، معماری و تسهیل امر داد و ستد در این بازارها را تحسین کرده است (دلاواله، مکتوب اول: ۱۳۷۰: ۳۷). برودل در ذکر گزارش‌هایی از سیاحان درباره اصفهان، از نقشه نسبتاً منظم شهرهای اسلامی سخن می‌گوید به طوری که مسجد جامع در وسط قرار داشت و سوقها و خانها و کاروانسراها در پیرامون آن، سپس مجموعه‌ای از پیشه‌وران در دوایر متحدالمرکز و در نظمی سنتی کنار هم ردیف شده‌اند به طوری که ابریشم بافان و زرگران در کنار تجار عطر و عود در کنار مسجد جامع قرار داشتند (برودل، ۱۳۷۲: ۵۲۴-۵۲۳).

## ۹. وجود شبکه‌هایی از توزیع کنندگان

وجود شبکه منظم راههای داخلی که شهرها و ایالات را به هم متصل می‌کرد و نیز وجود بازارهای بزرگ، حاکی از شبکه‌های توزیع کالاها و خدمات در دوره صفوی می‌باشد. با توجه به اینکه تجارت یکی از بزرگترین وجوه نظام سرمایه‌داری در تمامی دوران‌ها بوده سعی بر آن شده که در ذیل این عنوان به تجارت عهد صفوی پرداخته شود. چراکه برای توضیح بورژوازی تاریخی از توضیح اوضاع تجاری آن زمان نمی‌شود چشم پوشید. در توضیح اینکه شبکه توزیع داخلی در آن زمان بسیار روان و توانمند بوده است اشاره‌ای گذرا

می‌کنیم به احداث راه‌ها و کاروانسراهای داخلی ایران در عصر صفوی و سپس به تجارت بین‌المللی و شبکه واردات و صادرات که علاوه بر صنف تجار، اصناف بازاری، صنعتگر و پیشه‌ور را در سطح داخلی درگیر می‌نموده است.

## ۱۰. راه‌ها و کاروانسراها

در میان ایرانیان افسانه‌ای وجود دارد که می‌گوید شاه عباس ۹۹۹ کاروانسرا ساخته است. طبق نظر «باستانی پاریزی» مورخ معاصر، به احتمال زیاد این آمار افسانه‌ای، با واقعیت تطابق دارد چراکه «امروز هم به هر طرف که می‌گذرید نمونه‌های این کاروانسراها را که سبک صفوی دارد می‌بینید. نه تنها شاه، بلکه کلیه امرای مقتدر او، بازرگانان، مالکان و ثروتمندان شهرستان‌ها موظف بودند در بین راه‌ها کاروانسرا بسازند» (باستانی پاریزی، ۱۳۷۸: ۱۰۳). توسعه سیستم امنیت راه‌ها و بهبود زیرساخت‌های تجاری از جمله کاروانسراها و پل‌ها در سراسر امپراتوری بویژه در دوره شاه عباس صورت گرفت بطوری که اصفهان پایتخت جدید صفوی میزبان تاجرانی نه تنها از سراسر ایران که از هند و اروپا شد (Yamaguchi, 2021: ۵۶۱). برودل به استناد گزارش برخی سیاحان می‌نویسد در ایران در هر چهار فرسنگ یک کاروانسرای خوب پیدا می‌شود و سفر در این کشور ارزان است و بر همین اساس میهمان‌نوازی، سرعت، امنیت و پرجمعیت بودن را از مزایای آن برمی‌شمارد (برودل، ۱۳۷۲: ۴۱۷).

بندرعباس که سه دفتر بازرگانی بزرگترین کمپانی‌های جهان در آن قرار داشت، میزبان بیشتر فعالیت‌های تجاری گردید. پادشاهان صفوی برای ایجاد شرایط مناسب تجارت گروه‌های مختلف، ضمن ایجاد امنیت کامل در این شهر و نواحی مجاور آن با سرمایه‌گذاری مالی گسترده، به ساخت و ساز تأسیسات بین‌راهی در مسیر اصلی بندر عباس به اصفهان - که از شهرهای لار، جهرم، و شیراز می‌گذشت - پرداختند (حبیبی، ۱۳۸۷: ۲۱). تاورنیه می‌نویسد: در تمام خاک ایران خصوصاً از تبریز تا اصفهان و از آنجا تا هرمز در مسافت‌های معین و متساوی، کاروانسراهای عالی دیده می‌شود (تاورنیه، کتاب اول: ۷۳). نکته قابل توجه این بود که از رهگذر تجارت، روستاییان هم وارد این عرصه شده بودند و ده‌های مجاور نیز آذوقه مورد نیاز کاروان‌ها را تهیه می‌کردند. خیرین نیز که از اهمیت و جایگاه امر تجارت به خوبی آگاه بودند، اقدام به احداث کاروانسراهای متعددی

کرده بودند. به طور نمونه کاروانسراهای اصفهان، برای بازرگانانی که دائماً به شهر رفت و آمد می‌کردند و نیز ارمنی‌ها و سوریایی‌هایی که در شهر خانه نداشتند و حتی برای مردم بینوا و زنان و اطفال نیمه‌عریان که مطلقاً سرپناه و پناهگاهی نداشتند به نفقه مردم پرهیزگار، ساخته شده بود (فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۸۰). این کاروانسراها به گزارش سفرنامه‌نویسان اروپایی از حیث راحتی و عظمت، بهتر از عثمانی بود (تاورنیه، کتاب اول: ۱۲۳). در هر کدام از کاروانسراها بازرگانان و مسافران ولایت معینی بار می‌انداختند کیوانی بر طبق طومار برجسته‌ای در کتابخانه بریتانیا در لندن که برخی از کاروانسراهای عمده اصفهان و تجار و سوداگران شهرهای مختلف و نوع کار آنها را در بر دارد، بیست و یک کاروانسرا را معرفی کرده است (کیوانی، ۱۳۹۵: ۲۲۷-۲۲۵). به طور مثال یکی از قشنگ‌ترین کاروانسراهای اصفهان، کاروانسرای خراسانیان نامیده می‌شد. وقتی کسی مایل به دیدار یکی از مردم ولایت دوری بود، به کاروانسرای که به نام آن ولایت یا آن شهر معروف بود می‌رفت تا شخص مورد نظر خود را بیابد (شاردن، ۱۳۷۲، ج ۴: ۱۴۶۰). اولناریوس گزارش داده که کاروانسراهای شهرها، پنجاه هزار تالر توسط تجار به شاه می‌پرداختند (اولناریوس، ۱۳۶۳: ۳۲۰).

## ۱۱. تجارت و تجار

تجارت و صدور کالاهای تولیدی و مصنوعات، یکی از مصادیق ظهور عصر بورژوازی در غرب بود. در ایران عصر صفوی تجار نقش بسیار مهمی را در اقتصاد ایران بازی کردند به گونه‌ای که عظیم‌ترین میزان واردات و صادرات کالاهای ایرانی در دوران صفوی به وقوع پیوسته است. صدور مصنوعات که در این دوره بیشتر شامل منسوجات و فرش و قالی و پارچه بودند تفاوتی بسیار با دوره‌های گذشته دارد چه به لحاظ اقسام صادراتی و چه به لحاظ حجم صادرات.

اقلام صادراتی پیش از صفویه، بیشتر شامل مواد خام، خشکبار و ادویه جات بوده و از لحاظ جغرافیایی، به خاورمیانه و آسیای جنوبی جریان داشته اما در دوران صفویه و به ویژه در دوران شاه عباس، اولاً قسمتی از صادرات ایران به غرب صورت گرفت. ثانیاً حجم صادرات بسیار زیاد و متنوع بود و تکنیک تولید و کمیت و کیفیت آنها با گذشته تفاوت کاملاً فاحشی داشت. پارچه و فرش و قالی، قسمت عمده این صادرات بود که نه به

صورت صرفاً روستایی و عشایری قدیم، بلکه در درون کارگاه‌هایی تولید می‌شد که باز هم بی‌سابقه بود.

در ادبیات موجود سیاسی و اقتصادی ما، عنوان شده، که در ایران، بورژوازی ملی هرگز شکل نگرفته و خبری از ظهور کارگاه‌های انبوه و ما قبل انقلاب صنعتی نبوده و به تبع آن تجارت هم کاملاً ادامه همان تجارت باستانی و دوره اسلامی بوده و در دوره صفوی تحول چندانی در آن رخ نداده و در نهایت از طبقه‌ای متوسط ما بین اشراف و خیل عظیم روستائیان تحت عنوان بورژوازی، هیچ اثری نبوده است و اگر در حد ضعیف هم بوده کاملاً تحت سیطره حاکمیت وقت بوده و هیچ استقلالی نداشتند. چنین مفروضی پژوهشگران ما را واداشته که مدام در پژوهش‌های خود به دنبال دلایل عدم شکل‌گیری بورژوازی در ایران باشند. فرضیات برخی از آنان سیاسی، برخی مبتنی بر نظام اقتصادی و عده‌ای نیز دلیل را در وضعیت جغرافیایی ایران عنوان کرده‌اند. در این قسمت ما به دنبال آنیم نشان دهیم همان‌طور که تولید داخلی در شکل غیر روستایی و کارگاهی آن در این دوره ظهور و رشد یافته، تجارت نیز رونق بی‌سابقه گرفته است. این گزارش تاورنیه که می‌گوید: «سابق بر این، هر سال مقدار گزافی پارچه‌زری، مخمل و تافته ایرانی به اروپا و مسکوی و لهستان می‌بردند اما امروزه همه انواع آنرا در اروپا به همان خوبی و خیلی ارزان تر به عمل می‌آورند» (تاورنیه، کتاب پنجم: ۶۰۱) گویای این نکته است که صنعت کارخانه‌ای ایران بسیار جلوتر از اروپای سرمایه‌محور قرار داشته است.<sup>۱</sup> بنا به گزارش‌های سفرنامه‌های ونیزی، تا قبل از سلطنت شاه عباس، بازار تجارت ایران، رونق چندانی نداشت (سفرنامه‌های ونیزیان در ایران؛ ۴۷۶). در اواخر عمر شاه طهماسب صفوی، ذخیره پول نقره ایران بسیار کم شده بود (میرخواند، بی تا: ۲۹۰؛ تنوی، بی تا: ۹۵۹) اما در عصر شاه عباس، وی که یگانه راه آبادانی و توانگری کشورش را توسعه بازرگانی و ورود زر به داخل ایران می‌دید در همان حال هم دستور داده بود که زر نقد از ایران بیرون نرود (کروسینسکی، ۱۳۶۳: ۲۵). کوچ آرامنه بسیاری به گیلان، مازندران و اصفهان و تشویق آنان به تجارت، چنانکه به آنها ابریشم مساعده می‌داد که می‌فروختند و در مراجعت قیمت آنرا می‌پرداختند به ثروتمند شدن آرامنه، رونق تجارت و افزایش ذخیره خزانه دولت انجامید (تاورنیه، ۱۳۳۶، کتاب اول، ۵۶-۵۷؛ شاردن، ۱۳۷۲، ج ۲/ ۶۹۳). تجارت داخلی ایران در دست ایرانیان و یهودیان و تجارت خارجی در تصرف آرامنه بود (تاورنیه، ۱۳۳۶، کتاب پنجم، ۵۹۶). فلوراز انجمن تجار ثروتمند و مهم شیرازی در اصفهان صحبت می‌کند

که در تجارت خلیج فارس و کمپانی‌های دریایی اروپایی نقش بسیار مهمی داشتند. (floor, 2022: 267). آرامنه نیز صرفه‌جو بودند و بواسطه مسیحی بودن در ممالک عیسوی بهتر می‌توانستند تجارت کنند. شاه نیز به آنها وام‌های طولی‌المدتی داده بود. خط مسافرتشان اروپا تا اقصی بلاد آسیا و هندوستان و جاوه و فلپین و همه جا بود مگر چین و ژاپن (تاورنیه، کتاب چهارم: ۴۰۵؛ کاری، ۱۳۴۸: ۱۰۰). آنها ابریشم خام ایران را به از میر می‌بردند و عمدتاً به فرانسوی‌ها می‌فروختند (تاورنیه، ۱۳۳۶، کتاب اول، ۹۴-۹۳). ارمنیان جلفا، بخش عمده ابریشم ایرانی را وارد بندر مارسسی می‌کردند. شهر لیوورنو در سال ۱۶۶۰ میلادی محل سکونت ۳۰۰ نفر ارمنی و محل اقامت کنسول ایرانی ارمنی بود. کمپانی‌های بزرگ تجاری خارجی از جمله کمپانی هند شرقی انگلیس در اواخر قرن هفدهم در رقابت با ارمنی‌ها در مسیرهای زمینی شمالی، سعی کردند تا با فروش زیر قیمت منسوجات حلب، آنها را از میدان خارج کنند. اما چون توفیقی نیافتند، سعی نمودند، که با تاجران ارمنی ایران مدارا نموده و با پیشنهاد قراردادهای تجاری با جلفا از ناامنی راه‌های تجاری ترکیه و گسترش بازرگانی ارمنیان در اروپا بهره‌مند شوند. تجارت عمده ایران ابریشم بود اما تاجران ایرانی و ارمنی در زمینه‌های دیگری نیز فعال بودند. به گفته تاورنیه، ساغری و تیماج، منبع عمده تجارت هلندی‌ها بود که به هند، ژاپن، لهستان و مسکوی حمل می‌شد. روناس، ترشیجات، گلاب و سایر عطرها، پسته قزوین، بادام یزد و کرمان و کشمش اغلب ولایات خصوصاً شیراز و آلو، از راه هرمز به هندوستان حمل می‌شد. شتر، اسب، قاطر و گوسفند هم به ارمنستان، آناتولی، اسلامبول، ادرنه و رومانی می‌بردند (تاورنیه، ۱۳۳۶، کتاب پنجم: ۶۰۲-۶۰۳).

توجه به تاجران ارمنی، حراست از راهها و اموال تاجران (اسکندر منشی، ج ۳: ۷۰۵)، احداث کاروانسراهای متعدد در سراسر ایران و در فواصل مناسب و نظارت بر گمرک‌چی‌ها و راهداری‌ها همه در جهت رونق کار تجارت صورت گرفت (تاورنیه، ۱۳۳۶، کتاب اول: ۵۲). این زیرساخت‌ها برخلاف نظر برخی نویسندگان مانند ویلم فلور در بحث توسعه نیافتگی ارتباطات (فلور، ۱۳۸۷: ۱۳) می‌باشد. به طوری که بسیاری از بقایای این سازه‌های صفوی امروزه نیز در کنار جاده‌ها به چشم می‌خورد. شاه عباس در راستای توسعه تجارت، تسامح مذهبی را پیشه ساخت و امکانات بسیاری را برای اقلیت‌های مذهبی فراهم کرد. چنانکه فرقه‌های مختلف مسیحی از قبیل آشوری‌ها، نسطوریان، سوریایی‌ها، مارونی‌ها، دیاربکری‌ها، گرجی‌ها، کاپوسینی‌ها، کرملی‌های برهنه پا؛ آگوستینی‌ها،



یسوعی‌ها و دومینیکنی‌ها و تاتارها، هندیان، روس‌ها، اعراب، ترک‌ها، گرجیان، چرکس‌ها و داغستانی‌ها در اصفهان به کار تجارت مشغول بودند و همه طبق رسوم و آئین خود زندگی می‌کردند و انگلیسی‌ها و هلندی‌ها نیز در اصفهان نماینده تجاری داشتند (کمپفر، ۱۳۶۳: ۱۹۸؛ دلاواله، ۱۳۷۰: ۶۷-۶۶؛ فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۲۰۸؛ floor, 2022: 245). عیسوی‌های بابل هر سال برای تجارت به همدان و اصفهان در رفت و آمد بودند (تاورنیه، ۱۳۳۶، کتاب دوم: ۱۹۷). از دیگر اقلیت‌های قومی در ایران که نقش بسیار موثری در تجارت داخلی و خارجی داشتند، باید از یهودیان و هندوها نام برد. این دو گروه هرچند خود در تجارت و داد و ستد کالا سهمی داشته‌اند، اما بیشتر نقش آنها در تجارت ایران مربوط به امور مالی بوده است. «یهودیان به ویژه در امر ایجاد اعتبار به صورت برات برای کمپانی‌های اروپایی در بندرعباس فعال و مهم بودند. نمونه‌هایی از این برات‌ها هم اکنون موجود است. دولت صفوی در حوزه سیاست خارجی به بازرگانان وابسته بود. شاه تاجران را به عنوان فرستادگان سیاسی - تجاری به سرزمین‌های خارج اعزام می‌کرد. در این زمینه و با توجه به نقش پررنگ ارامنه در تجارت خارجی و وجود جماعت‌های ارمنی در خارج از مرزهای ایران، تجار ارمنی نقش مهمی ایفا می‌کردند. شاه عباس، برخی بازرگانان را در قالب هیأت‌های متعددی برای گسترش روابط ضد عثمانی و یافتن بازار فروش برای ابریشم ایران به دربارهای اروپایی می‌فرستاد. علاوه بر این دولت، برای دریافت اخبار به بازرگانان دور دست وابسته بود و بسیاری از اطلاعات راجع به توازن قدرت در اروپا و تحولات نظامی آنجا را از ارامنه‌ای که از غرب می‌آمدند دریافت می‌کرد. دربار از اعتبار تجار استفاده می‌کرد و مهمتر از همه به پول نقدی که همه آن ضرورتاً از خارج و به طور منظم همراه کاروان‌ها از امپراتوری عثمانی و به مقدار کم از روسیه وارد می‌شد بسیار وابستگی داشت. مخصوصاً اینکه ارامنه، مقدار زیادی پول به شاه قرض می‌دادند. صفویان مهارت تجار بومی خود را که در کشور با بازرگانان خارجی گفت و گو می‌کردند به رسمیت می‌شناختند و گاهی هم آنها را به عنوان سخن‌گوی دولت به کار می‌گرفتند. خواجه «گریگور لوسکنت» یکی از مهمترین تجار جلفا که در سال ۱۰۸۲-۶۷۱ به عنوان نماینده شاه به مسکو رفته بود در سال‌های ۱۰۹۵-۱۰۹۶-۸۴-۱۶۸۵ به عنوان سخنگوی دولت در منازعه بین شاهزاده صفوی و هلندیان انجام وظیفه کرد (متی، ۱۳۸۷). وابستگی دولت و تجارت یک وابستگی متقابل بود. به گفته «ملا محمد باقر سبزواری» فقیه برجسته شیعه در دوران شاه عباس دوم، رفتار نیکوی دولت با تجار، باعث دوام نعمت و بقای دولت خواهد شد؛ همچنانکه تجار نام

نیکوی پادشاه را به اطراف و اکناف برده و دیگران را تشویق می‌کنند، به قلمرو او بروند و بدین طریق به ثروتش افزوده می‌گردد و سرانجام همگان از جاده‌های امن سود برده و مبادلات بازرگانی افزایش می‌یابد (سبزواری، ۱۳۷۷: ۷۷۴-۷۷۳).

بازرگانان دوره صفوی طبقه‌ای نبودند که به راحتی آسیب‌پذیر باشند و به هر دلیل واهی از جانب صاحبان قدرت، اموالشان مورد سوء قصد قرار گیرد. آنها هم دارای سرمایه بودند، هم تخصص داشتند و هم حوزه سیاسی به حوزه تجاری وابسته بود. این وابستگی مالی و سیاسی، به لحاظ آشنایی آنها با زبان‌های مختلف، فنی هم بود. شاردن در مورد جایگاه تجار در ایران چنین گزارش داده است:

در مشرق‌زمین بیشتر صاحبان مقام و منصب حتی پادشاه به نوعی تجارت می‌کنند. اینان همانند سرمایه‌دارانی که کارشان تجارت است دارای کارگزاران، عاملان و منشیان متعدد و برخی نیز دارای کشتی‌های تجاری می‌باشند. کار تجارت در ایران معتبر و محترم است و بازرگانان در انظار مردمان دارای عزت و حرمت می‌باشند. برخی بازرگانان معتبر به مناصب عالی منصوب می‌شوند. مثلاً مقام سفارت را به ایشان می‌سپارند. در ایران بازرگانانی هستند که در بیشتر کشورهای معتبر جهان دفتر و عامل و محاسب و خدمتگر دارند (شاردن، ۱۳۷۲، ۲/ ۹۰۰-۸۹۹).

کیوانی مقررات درون صنفی دوره صفوی را امری می‌داند که به طور سنتی همواره از احترام بالایی برخوردار بوده است (کیوانی، ۱۳۹۵: ۲۴۴). به همین میزان، خود بازرگانان که به گفته فلور در تجارت داخلی و بین‌المللی نقش بسیار مهمی داشتند، صاحب اعتبار و همچنین احترام بودند (floor, 2022: 267). تاورنیه، بازرگانان و صنعتگران ایرانی عصر صفویه را هم تراز طبقه سوم در فرانسه یعنی بعد از نخبگان نظامی و اداری قرار داده است. بازاریان، صنعتگران و پیشه‌وران (طبّاخان، آشپزان، فروشندگان اغذیه و لبنیات)، دارای صنف بودند. اتحاد و همبستگی درون‌گروهی در برابر حوادث آینده و برنامه‌های دولت؛ مقابله با بحران‌های اقتصادی و سیاسی؛ گسترش تشکیلات مذهبی به نام هیأت‌ها و دسته‌های عزاداری و فعالیت در آنها جهت پیشبرد مقاصد سیاسی و اجتماعی و نوعی اعلام موجودیت و انگیزه اقتصادی از عوامل تشکیل اصناف بود. کار اصناف و صنعتگران مبتنی بر ظرافت، صداقت و دقت نظر بود و از آنجا که ایمان، نقش اساسی را در جامعه مذهبی داشته، سعی اصناف متدین بر این بود که از تدلیس و یا تقلب اجتناب ورزند (روحانی،

۱۳۶۶: ۹۶-۹۱). از این نظر می توان ساختار و کارکرد سیاسی-اجتماعی اصناف را از بُعد ارتباط بازار و مذهب، آن چیزی دانست که وبر "انجمن فراگیر اجتماعی" می خواند(وبر، ۱۳۶۹: ۱۱۷). علاوه بر این برایان ترنر در کتاب "وبر و اسلام"، ضمن نگاه انتقادی به نگرش وبر در باب اینکه اسلام، اخلاقی متناسب با رشد سرمایه داری عقلانی نداشت، اسلام را دین شهری بازرگانان و ماموران دولتی می داند(ترنر، ۱۳۹۱: ۲۹۸)، که به خوبی معرف ارتباط تنگاتنگ بازار و مذهب نیز می باشد.

## ۱۲. نتیجه گیری

ثبات سیاسی حکومت صفوی با ابزارهایی چون انحصار دولتی صادرات ابریشم، تسامح شاه عباس اول و موقعیت ژئوپولتیکی ایران، منجر به نوعی سرمایه داری بومی با حضور فعال دولت و بازرگانان غیر دولتی شد، امری که خود نبردی اقتصادی با امپراتوری رقیب یعنی عثمانی نیز بود. ایران صفوی با ویژگیهای تجاری خاص خود از جمله امنیت راه ها، وجود کاروانسراها، داد و ستد با بسیاری از اقلیت های سوداگر خارجی، شهرهایی پر جمعیت، حضور اصناف و پیشه وران فعال، تولیدات با کیفیت، در تراز بازرگانی با همسایگان و کشورهای اروپایی از نظر ساختار نظام جهانی، یک امپراتوری مستقل و خودکفا محسوب میشد. مطابق تعریف امانوئل والرشتاین از بورژوازی تاریخی و محک اوضاع اقتصادی ایران در عصر شاه عباس صفوی، با همان کاراکترهایی که والرشتاین از تعریف بورژوازی تاریخی به دست داده، مشخص می شود که ایران در آن دوره شاهد ظهور و رشد شیوه ای نوین از تولید بوده که قبل آن چندان سابقه ای نداشته. به تبع آن و در نتیجه-ی رشد و شکوفایی اقتصادی و تولیدات داخلی در کارگاه های دوره یاد شده، تجارت هم رونق بسیار زیاد و بی سابقه ای گرفته و در نتیجه شاهد ظهور طبقه ای در ایران شدیم که ثروتمند بودند، اعضای این طبقه نه از نخبگان حاکم بودند و نه از اکثریت طبقه ی پایین جامعه. آنها در عین حال از سوی جامعه محترم شمرده می شدند. با مذهب ارتباط محکمی داشتند و حوزه فعالیت آنها نه تنها بازارهای داخلی و منطقه ای بلکه شامل کشورهای اروپایی نیز می شد. علاوه بر اینها هم دست به سازماندهی صنفی در شکل ابتدایی خود زده و هم دارای نوعی خودآگاهی صنفی شدن، به طوری که گاه کنش اقتصادی-سیاسی آنها منجر به لغو فرمان شاهی نیز می شد. متعاقب این تحولات به لحاظ فرهنگی (بیشتر تجلی

در آثار هنری) ظهور چنین پدیده‌ای یعنی بورژوازی تاریخی در دوره صفویه و بطور مشخص از شاه عباس اول تایید می‌شود اگرچه پس از مرگ او تا انقراض صفوی رو به کاهش می‌گذارد.

### پی‌نوشت

۱. ورداسبی در کتاب "علل کندی و ناپیوستگی تکامل جامعه فئودالی ایران"، معتقد است که عناصر اولیه نظام سرمایه‌سالاری، در شرق (به نسبت غرب) زودتر سر برون کردند. وی حتی به جنبش مزدک در دوره ساسانی و نقش بزرگ قشرهای صنعتگر و پیشه‌ور و بازرگان در اقتصاد و مناسبات سرمایه‌داری در قرون نخستین اسلامی اشاره می‌کند (ورداسبی، ۲۵۳۵: ۱۷). از نظر وی فئودالیسم در ایران زودتر از غرب شکل گرفت اما دیرتر از آنجا به تجزیه و انحطاط گرایید.

### کتاب‌نامه

- احمدی، سیروس. «جایگاه صنعت در اقتصاد ایران از عصر صفوی تاکنون»، راهبرد توسعه، شماره ۴۸، زمستان ۱۳۹۵، صص ۱۲۲ تا ۱۳۶.
- اسکندر منشی، تاریخ عالم‌آرای عباسی، ج ۳، تهران: دار الطباعة آقا سید مرتضی.
- اشرف، احمد (۱۳۵۹). موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران. تهران: زمینه.
- اکبری، علی اکبر (۱۳۵۷). علل ضعف تاریخی بورژوازی ایران، تهران: سپهر.
- اولیویه، گیوم آنتوان (۱۳۷۱). سفرنامه اولیویه. تهران: اطلاعات.
- اولثاریوس، آدام (۱۳۶۳). سفرنامه آدام‌الثاریوس. ترجمه احمد بهیور. تهران: سازمان انتشاراتی و فرهنگی ابتکار.
- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم (۱۳۷۸). سیاست و اقتصاد عصر صفوی. تهران: صفی‌علیشاه.
- برودل، فرنان (۱۳۷۲). سرمایه‌داری و حیات مادی، ترجمه بهزاد باشی، تهران: نی.
- تاورنیه (۱۳۳۶). سفرنامه تاورنیه. ترجمه ابوتراب نوری، با تجدید نظر کلی و تصحیح دکتر حمید شیرانی. تهران: انتشارات کتابخانه سنائی.
- تتوی، احمد بن نصرالله، تاریخ الفی. تهران: بی‌نا.

ظهور بورژوازی تاریخی در ایران عصر صفوی ... (مریم خسروآبادی و دیگران) ۱۱۵

تذکره الملوک، با تعلیقات مینورسکی (۱۳۷۸). به کوشش سید محمد دبیر سیاقی، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران: امیرکبیر.

ترنر، برایان. اس (۱۳۹۱). وبر و اسلام، ترجمه حسین بستان، علی سلیمی و عبدالرضا علیزاده، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

جملی کارری، جووانی فرانچسکو (۱۳۴۸). *سفرنامه کارری*. تبریز: اداره کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی.

حبیبی، حسن (۱۳۸۷). *بررسی تاریخی، سیاسی و اجتماعی اسناد بندر عباس*. تهران: بنیاد ایران‌شناسی.

دلاواله، پیترو (۱۳۷۰). *سفرنامه دلاواله*. ترجمه دکتر شعاع الدین شفا. تهران: علمی و فرهنگی.  
روحانی، سید کاظم (۱۳۶۶). «اصناف و پیشه‌وران در عصر صفویه». شماره ۱۴، صص ۹۱-۹۶.

سبزواری، ملامحمد باقر (۱۳۷۷). *روضه الانوار عباسی (در اخلاق و شیوه کشورداری)*. تصحیح اسماعیل چنگیزی اردهانی، تهران: میراث مکتوب.

*سفرنامه‌های ونیزیان در ایران (شش سفرنامه)*؛ (۱۳۷۳) در زمان اوزون حسن تا اوایل صفوی، ترجمه منوچهر امیری، تهران: خوارزمی.

سمیعی، محمد (۱۳۹۷). *نبرد قدرت در ایران، تهران: نی*.  
سیف، احمد (۱۳۷۳). *اقتصاد ایران در قرن نوزدهم*. تهران: چشمه.

سیوری، راجر (۱۳۸۹). *ایران عصر صفوی*. ترجمه کامبیز عزیزی، چ ۱۹. تهران: نشر مرکز.  
شاردن، ژان (۱۳۳۶). *سیاحت نامه شاردن*. ترجمه محمد عباسی. تهران: امیرکبیر.

شاردن، ژان (۱۳۷۲). *سفرنامه شاردن*. ترجمه اقبال یغمایی. تهران: توس.  
شرلی، آنتونی (۱۳۸۷). *سفرنامه برادران شرلی*. ترجمه آوانس. به کوشش علی دهباشی. تهران: نگاه.

عقیلی، سید احمد. «طبقه‌بندی اصناف و بررسی ساختار آنها در عصر صفویه». *تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام*، سال چهارم، شماره هشتم، بهار و تابستان ۹۳، صص ۱۳۱-۱۵۷.

فلور، ویلم (۱۳۹۳). *بیمارستانهای ایران در زمان صفویه و قاجار*، ترجمه ایرج نبی پور، بوشهر: دانشگاه علوم پزشکی.

فلور، ویلم (۱۳۸۷). *دیوان و قشون در عصر صفوی*، ترجمه کاظم فیروزمند، تهران: آگه.  
فیگوئروا، دن گارسیا دسیلوا (۱۳۶۳). *سفرنامه سفیر اسپانیا در دربار شاه عباس اول*. ترجمه غلامرضا

سمیعی. تهران: نو

فیوضات، ابراهیم. «پیدایش و زوال کارگاه‌های پیشه‌وری». *حسابدار*، سال ۱۳۶۴، شماره ۱۵.

کروسینسکی (۱۳۶۳). سفرنامه کروسینسکی، یادداشت‌های کشیش لهستانی عصر صفوی (۱۷۵۶-۱۶۷۵م). ترجمه عبدالرزاق دنبلی مفتون با مقدمه و تصحیح دکتر مریم میراحمدی. تهران: توس.

کیمپفر، سفرنامه انگلبرت کیمپفر (۱۳۶۳). ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران: خوارزمی.  
کیوانی، مهدی (۱۳۹۵). پیشه وران و زندگی صنفی آنان در عهد صفوی، ترجمه یزدان فرخی، تهران: امیرکبیر.

کیوانی، مهدی (۱۳۷۹). مقاله اصناف، در دایره المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر محمد کاظم موسوی بجنوردی، تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی ج ۹: صص ۲۷۸-۲۷۱.  
لفت ویچ، آدریان (۱۳۸۹). دموکراسی و توسعه. ترجمه افشین خاکباز و احد علی قلیان. تهران: طرح نو.

لمبتون، آن (۱۳۶۲). مالک و زارع در ایران. ترجمه منوچهر امیری. تهران: علمی و فرهنگی.  
متی، رودلف (۱۳۸۷). اقتصاد و سیاست خارجی عصر صفوی. ترجمه: حسن زندیه. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

مدنی، امیر باقر (۱۳۷۴). موانع توسعه اقتصادی ایران (مقایسه با ژاپن). تهران: شهرآب.  
میرخواند، محمد بن خاوند شاه، روضه‌الصفاء. تهران: بی نا.

نوابی، عبدالحسین (۱۳۶۰). اسناد و مکاتبات سیاسی ایران. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.  
نوابی، عبدالحسین (۱۳۸۶). روابط سیاسی و اقتصادی ایران در دوره صفویه، تهران: سمت.  
والرشتاین (۱۳۸۱). سرمایه‌داری تاریخ. ترجمه یوسف نراقی. تهران: قطره.

وبر، ماکس (۱۳۸۴). اقتصاد و جامعه، ترجمه عباس منوچهری، مهرداد ترابیان و مصطفی عمادزاده، تهران: سمت.

وبر، ماکس (۱۳۶۹). شهر در گذر زمان، ترجمه شیوا کاویانی، تهران: شرکت سهامی انتشار.  
ورداسبی، اباذر (۲۵۳۵). علل کندی و ناپیوستگی تکامل جامعه فنودالی ایران، تهران: چاپار.  
وصاف الحضرة، (۱۳۸۳). تحریر تاریخ و صاف. عبدالمحمد آیتی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

ولی، عباس (۱۳۸۰). ایران پیش از سرمایه‌داری، ترجمه حسن شمس آوری، تهران: مرکز. ویتفوگل، کارل آوگوست (۱۳۹۲). استبداد شرقی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: ثالث.  
هدایت، رضا قلی (۱۳۸۵). سفارت نامه خوارزم. تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.

هروی، سیف بن محمد (۱۳۸۱). پیراسته تاریخ نامه هرات. تصحیح محمد آصف فکرت. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.

ظهور بورژوازی تاریخی در ایران عصر صفوی ... (مریم خسروآبادی و دیگران) ۱۱۷

کاتوزیان محمد علی (۱۳۹۴). اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی. ترجمه محمد رضا نفیسی و کامبیز عزیزی. تهران: مرکز.

Devos, Bianca and Werner, Christoph (2014), Culture and Cultural Politics under Reza Shah the Pahlavi State, New Bourgeoisie and the Creation of a Modern Society in Iran, London and New York: Routledge.

Floor, willem (2022), The Economy, in "the Safavid world, Edited by Rudi Matthee, London and New York: Routledge.

Floor, willem (2022), Trade in Safavid Iran, in "the Safavid world, Edited by Rudi Matthee, London and New York: Routledge.

Foran, john, (1993). Fragile resistance, Social Transformation in Iran from 1500 to the Revolution, Boulder and San Francisco and Oxford: Westview press.

Wallerstein, Immanuel (1974). The Modern World- System. VOL 1, Capitalist Agriculture and the Origin of the European World-Economy in the Sixteenth Century, New York & San Francisco & London: Academic Press.

Wallerstein, immanuel, (1983). Historical capitalism, London: verso.

Yamaguchi, Akihiko (2021). The Kurdish frontier under the Safavids, in The Safavid World, Edited by Rudi Matthee, London and New York: routledge.

